

مقدمات طوفان تجزیه در ایران

فیلم «سرزمین کهن»

امیرفیض- حقوقدان

جریان فیلم سریال تلویزیونی (سرزمین کهن) و اعتراضات گروهی از اعراب خوزستان که اخیراً مسئله ساز شده امری با سابقه است و بیش از آنکه فیلم مزبور و مسئله تحقیر و یا اتهام به بختیارها مطرح باشد، جریانی که فیلم مزبور را مشایعت میکند از اهمیت خاصی بهره مند است.

سَمَت این تحریر، در دو مسیر است مسیر نخست بهانه توهین و تحقیر بختیارهای غرب کشور. و مسیر دوم مقدمه طوفان تجزیه کشور است که با قرانن و امارات صرافه و سوابق سیاسی همراه میباشد.

مسیر اول - بهانه تحقیر

وقتی علت تظاهرات بختیارها بمناسبت فیلم مزبور، توهین به بختیارها عنوان شد این احساس قابل احترام بوجود آمد که بخشی از مردم ایران که ساکن استان های غرب کشور خاصه خوزستان هستند در پاسداری از غرور ملی و هویت ایرانی بسیار هوشیارند، که عبارت «بختیارها چگونه بختیاری شدند» در فیلم، آنها را سخت آزرده و به واکنش وادار ساخته است.

فیلم مزبور نشان نمیدهد، بالاخره گفته شد که بختیارها چگونه بختیاری شده اند یا خیر، چرا که اساساً ماهیت جمله مزبور نه اتهام است و نه تحقیر زیرا صرف نظر از اینکه اتهام و یا تحقیر متوجه گروه نا محدود، نمیشود، اصولاً تعریف فرهنگی و اجتماعی یک قوم و ملت نمیتواند تحقیر و توهین تلقی بشود زیرا مستند، و در واقع قرانت شناسنامه سیاسی و اجتماعی آن قوم است.

اگر جریان فیلم «سرزمین کهن»، شناسنامه بختیارها را بازخوانی نکرده اکنون فرصتی است که به اتفاق بختیارهای معترض به فیلم، شناسنامه سیاسی بختیارها را بخوانیم.

متأسفانه در شناسنامه سیاسی بختیارها لکه های بزرگی از بی اعتنائی به منافع ملی، دشمن یاری و تلاش و همکاری برای تجزیه کشور در حد کشتار فرزندان ایران آنها تحت حمایت انگلستان وجود دارد که ننگ پاک نشدنی بر ایل و تبار بختیاری هاست و برجوانان و نسل حاضر بختیارهاست که آن لکه های ننگ را آگاهانه با اقدامات میهن پرستانه جبران و پاک سازند.

نمونه ای از لکه های ننگ

❖ سردار ظفر بختیاری در مورد گردنه شلیل نوشته است:

وزیر جنگ سردار سپه ۳۰۰ سرباز از راه بختیاری برای امنیت خوزستان اعزام داشت ولی چون بدون اجازه خوانین بختیاری وارد خاک بختیاری شده بودند، خون بختیارها بجوش آمد و آنرا توهین به خود گرفته و درگرددنه شلیل به قوای دولتی حمله کردند؛ و بنوشته رسام قشقانی در کتاب (رضا شاه و سرکوبی قدرت های محلی) «تمام نیروهای دولتی خلع سلاح و سرشان از بدنشان جدا شد».

شادروان باستانی پاریزی در رابطه با شرح حمله بختیاری ها به قوای دولتی نوشته: «یک واحد از قوای دولتی بکلی از بین رفت و دهاتی های آن حدود با یک بیت شعر، آن فاجعه را چنین تعریف میکردند

اردکان تاباسکون، سنگ خرده خرده تاسه سال دال بخوره قزاق مرده

❖ م. پاولویچ در کتاب سه مقاله در باب انقلاب مشروطیت نوشته است «در سال ۱۹۲۲ که لرها و بختیارها قوای دولتی را تارکوب کردند فرمانده آنان یک افسر انگلیسی بنام کاپتن نوئل بود (صفحه ۱۵۵).

❖ در همان کتاب از کاپتان نوئل، معروف به سرپرسی کوکس ملاحظاتی است که در رابطه با اخبارشومی که در رابط با تجزیه خوزستان در این روزها در جریان است بسیار جوابگوست.

نامه کاپتان نوئل میگوید:

«من از طرف وزارت امور خارجه به ماموریت ایران اعزام شده بودم. پس از خروج ارتش ما از ایران احتمال میرفت بلشویکها به این کشور داخل شده و در آن حکومت شوروی ایجاد کنند، اگر این احتمال صورت وقوع مییافت در این صورت برای عملیات در جنوب آزادی عمل بیشتری مییافتیم ولی چنین نشد و بلشویکها عقب نشینی کردند و در صدد اجرای سیاست حفظ تمامیت ارضی ایران مییاشند و مانع ایجاد فدراسیون جنوب بنفع ما هستند. برای تاسیس فدراسیون جنوب اقدامات متعددی لازم است از آنجمله ایجاد دولت ایران جنوبی و تادیه عایدات نفت جنوب به آن دولت است. مسئله اساسی اینک امکان یا عدم امکان تحکیم وضعیت ما در اراضی بختیاری و اجرای نقشه فدراسیون جنوبی است.» (۱۵۱)

❖ سردار ظفر بختیاری در کتابش نوشته است: «انگلیسها به صمصام السلطنه و نصیرخان سردار جنگ گفته بودند که نگذارید نظامیان دولت از راه بختیاری به خوزستان بروند»
❖ در متحدالمآل سفیر انگلستان سر ولترتاوولی در سال ۱۹۱۴ چنین آمده است:

«بختیارها محکم در دست ما هستند. مامور شدن سردار جنگ بانفوذترین و مهمترین خان بختیاری بر سرشغل خود توسط این سفارت انجام گرفت»

در همان سند آمده است:

«به بختیارها وعده داده شده است که در ماه آوریل همان سال یزد را به آنها بدهند» (مشروح درسنگر ۱۸۹)

❖ در سال ۱۲۹۴ بین وزیر مختار انگلیس و خانهای بختیاری قراردادی به امضای رسید که بختیارها نظم منطقه را حفظ کرده و علیه انگلستان دست به اسلحه نبرند و از ورود دشمنان انگلیس به ایران جلوگیری کنند و رابطه خورابا شیخ خزعل حفظ کنند و در عوض دولت انگلستان بعد از جنگ

سرزمین انهاربرسمیت خواهد شناخت و به آنها یاری خواهد داد. (تاریخ سیاسی و اجتماعی بختیاری چاپ اول صفحه ۲۸۳)

وعده استقلال به بختیارها

درسندی که وزارت خارجه انگلیس به نرمن وزیرمختار خود در تهران مخابره کرده آمده.

❖ «اگر شمال ایران رابلشویکها اشغال کردند شما هم (مقصود سفیر، قوای انگلیس است) از خانقین، کرمانشاه، خرم آباد، بختیاری، اصفهان، یزد، کرمان تا بندرعباس را اشغال کنید و به بختیارها و شیخ محمره و والی پشت کوه استقلال داخلی بدهید و آنها را متفق کنید و از حکومت مرکزی جدا کنید»

(تاریخ مکی نقل از جلد ۱۳ اسناد وزارت خارجه انگلیس)

❖ «محمد تقیخان بختیار معتقد بود چنانچه دولت انگلستان از لحاظ مالی و تجهیزات نظامی، بوی کمک کند او میتواند با جمع آوری هزاران تفنگچی، قیام عمومی علیه دولت مرکزی تدارک نماید، خان بختیاری مایل بود بداند که در صورت حمله به دولت ایران، دولت انگلیس از او حمایت میکند و آیا پس از جنگ او را بعنوان حکمران مستقل خوزستان برسمیت میشناسد»

(مسافران سرزمین بختیاری جلد ۱۱)

❖ «نظربه تفرق‌دیمی که بختیارها با حکومت ایران دارند تا امروز عادت کرده اند که امیدهای خودشان را روی اصل حمایت انگلیس قرار بدهند چونکه انگلستان یگانه خارجیانی هستند که روابط دوستانه با بختیارها دارند»

(تاریخ روابط سیاسی انگلیس و ایران جلد ۷ صفحه ۱۵۲)

❖ «خزعل در سال ۱۳۰۱ شمسی اتحادیه جنوب را برهبری خود متشکل از عناصر عرب خوزستان و بختیارها تشکیل داد این اتحادیه در همان سال با کمک و مشارکت <تیل> کنسول انگلیس در اهواز برای تحت فشار گذاردن دولت مرکزی ایران بوجود آمد تا به تبلیغات تحریک آمیزی برای جداساختن خوزستان از ایران و تشکیل عربستان آزاد دست زد با این هدف که قسمتی از خاک ایران را تحت الحمایه انگلیس قرار گیرد»

(تاریخ نوین ایران - هدیه شاهان ایران صفحه ۱۷)

❖ «در همان زمان بود که خزعل میگفت <ما عرب هستیم> و اینجا (خوزستان) سرزمین عربستان است. دولت ایران اگر خوزستانی دارد برود و پیدا کند.»

(هدیه شاهان ۲۴)

❖ «لایارد (درویش علی) عضو سازمان جاسوسی انگلستان سالهای سال بعنوان یک درویش مسلمان در میان بختیاری ها به حل و فصل سیاست های انگلستان در بین بختیارها مشغول بود و

وقتی به او ابلاغ شد که به انگلستان برگردد **زن بختیاری خودش را بایک الاغ عوض کرد و ان الاغ را هم فروخت و خرج سفرش به لندن شد»**

(فرهنگ و تاریخ ایرانی - لایارد)

خطاب به بختیارها

معترضین به فیلم سرزمین کهن: پدران واجداد شما اولین قوم و قبیله ای در ایران بوده اند که پرچم خود مختاری و تجزیه کشور را به حمایت انگلستان بلند کرده اند و بعد از آن بود که فرقه دمکرات آذربایجان بدست روسها بوجود آمد شما این خیانت به سرزمین کهن را چه نام میدهید؟

امیدوارم شما به ندای وجدان همان سرزمین کهن گوش دهید که چگونه اجداد شما را سرزنش ورنج و الام از اقدامات آنان رادرتجزیه کشور، بیاد شما آورده است.

تاریخ سیاسی بختیارها نشان میدهد که بختیارها بسیار به ایران علاقمند بوده اند اما برای چراگاه ها نه برای استقلال و تمامیت ارضی کشور. هیچ گناه و خطائی بزرگ تراز تبائی و ایجاد استعداد برای دشمن در تعدی به استقلال و تمامیت ارضی کشور نیست.

آمریکانیها بارها ملت ایران را بربر، دروغگو و شرور خواندند، آیا صدای اعتراض شما را کسی شنید؟
یک مورخ بختیاری حساسیتی نسبت به اظهارات لایارد که گفته زن بختیاری اش را با یک الاغ عوض کرده از خود نشان داده است؟

بختیارها از اینکه قوای نظامی کشورش بدون اجازه خانهای بختیاری! به خاک بختیاری وارد شده اند عصبانی و آنرا توهین! گرفته و واکنش این توهیم توهین، کشتار و بریدن سر ۳۰۰ سرباز ایرانی بوده است.

آیا همان زمان که در سردر باشگاه شرکت نفت نوشته شده بود: «ورود ایرانی و سگ ممنوع است» غیرتی در بختیارها نبود؟ و اینکه لایارد زن بختیاری اش را بایک الاغ عوض کرد، توهین به غیرت قومی و مردانگی بختیارها نبود؟

بختیارها اگر نمیدانند بدانند که شرافت و ناموس ملی و کشورشان را به پای کشوری ریختند که سرادوار گری وزیر خارجه انگلستان، گفته است:

«وزیر خارجه انگلستان عقیده داشت «استقلال ایران بقدریک استخوان پوسیده سرباز انگلیسی ارزش ندارد»

(تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ج ۸ ص ۱۹۹)

مستمسک

میدانید چرا برای آن جمله گنگ، در فیلم سرزمین کهن، شمارابه تظاهرات کشیده اند؟؟ برای اینکه به طوفانی که برای تجزیه ایران خاصه خوزستان در جریان وقوع است مستمسک تهیه کنند.

مگر شما طوفانی که در تمام کشورهای خاورمیانه برای تکه، تکه، تکه کردن کشورها شروع شده نمی بینید مگرزمینه های این طوفان ایران کوب رادر آذربایجان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان نمی بینید؟ مگر از اجتماعات استکهلم ولندن وهلند با شرکت تجزیه طلبان وکسانی امثال آهی وابسته به دبیرخانه آگاه نیستید؟ مگر از ماده ۱۱ قطعنامه شورای ناپیدا که فقط برای جمع آوری آن امضاها پیدا شد آگاه نیستید؟ مگردفاع از فدراتیو شدن ایران فراموش شده است؟ بیدار شوید آلت نشوید، مستمسک نشوید، وسیله و ابزار آتش زدن وتکه، تکه کردن ایران نشوید.

دامنه ننگ ومبهن زدانی

حقیقت مشهود وکاملا آزار دهنده آنیست که همان رفتاری که بختیارها در ۴۰ سال گذشته با سرزمین کهن ایران کردند ودرپناه انگلیس، درجریان تجزیه ایران به هوای اقتدارخود قرارگرفتند، بمراتب وسیع تر و ننگین ترازسوی کثیری از ایرانیان خارج ازکشور درجریان است. با این تفاوت که بختیارها در راستای نوکری انگلیس، و ایرانیان امروز، درپناه خواست ومزدوری آمریکا، آنهم به اصراروابرام سی ساله، عمل کرده ومیکنند.

باراول نیست که آلت شده اید

این باراول نیست که درراه تجزیه ایران، آلت مقاصد بیگانگان شده اید به شرح زیر توجه کنید همه چیزیدتان خواهد آمد.

درماه مارس سال ۲۰۰۵ آقای جک استراووزیرخارجه انگلیس در دولت بلر با گروه های الاهوای درلندن ملاقات داشت ودرست یکماه بعد، انجمن دوستی اهوای های بریتانیا - بریاست آقای دانیال برت، ترجمه نامه محرمانه ای که امضای آقای محمد علی ابطی وتاریخ ۱۹۹۹ راداشت از طریق شبکه ماهواره ای خود پخش کرد که در آن گفته شده بود که دولت احمدی نژاد درنظر دارد که ظرف ۱۰ سال جمعیت اعراب خوزستان رابیک سوم تقلیل دهد وبانتقال اعراب به استانهای دیگرکشور، آذری ها وکردها وفارس هارادرخوزستان اسکان دهد.

این صحنه سازی که باواقعیت همراه نبود سبب تظاهرات، آتش سوزی بانکها واتومبیلها وزدو خورد خوزستانیها بامقامات دولت شد ودرنهایت ۴ کشته و ۴۰۰ زخمی بجاگذاشت.

آقای شاپورسورن پهلوی با ارائه ماخذ معتبرنوشته است:

«انجمن دوستی اهوازیهای بریتانیا بریاست دانیال برت، تظاهرات خوزستان رامدیریت میکرده است. فعالیت اخیرانجمن دوستی اهوازیها نشانه دوچیزاست یکی نزدیک شدن جنگ غرب باایران ویا زمینه سازی برای تحریکات قومی وایجاد جنگ داخلی وتبديل ایران به ایرانستان.»

دانیال برت کیست

همانطور که درسالهای ۱۳۰۴ تیل افسراطلاعاتی بریتانیا فعایت های بختیارها وشيخ خزعل را سازماندهی میکرد واعتبارات واسلحه برای استقلال وخودمختاری وفشاربه دولت مرکزی دراختیار آنها میگذاشت دراین سالها نیز دانیال برت که بنوشته «ربن مدسون» افسر سازمان اطلاعات آمریکا، دانیال برت، کارشناس ومشاورامورنفتی وانرژی وپتروشیمی وسیاست خارجی وعضو برجسته سازمان اطلاعات خارجی انگلستان میباشد سرپرست ومسئول انجمن دوستی اهوازیها دربریتانیا BAFS وشبکه همبستگی اهوازی عرب میباشد.

از شعارهای دانمی او یکی این است که خلیج فارس را همواره خلیج عربی مینامد ودوم اینکه مدعی است «همانطور که فلسطینی ها مورد تجاوز اسرائیلی ها قرارگرفته اند، اعراب خوزستان هم مورد تجاوز فارسها قرارگرفته اند».

بنابراعلام افسراطلاعاتی آمریکا «ربن مدسون» برنامه های بمب گذاری هایی درخوزستان بامشارکت جبهه دمکراتیک خلق عرب الاهواز وسازمان مجاهدین خلق انجام شده است.

از فعایت های بسیارمخرب دانیال برت این است که درجراند خارجی جمعیت اعراب خوزستان را ۱۰ میلیون معرفی کرده است. او نوشته وتبلیغ میکند که «اعراب درایران تاسال ۱۹۲۵ کشوری مستقل بنام عربستان داشتند که هم مرزبا ایران بود وتوسط رضاشاه اشغال گردید» او نوشته است «تنها راه حل احترام به حقوق بشردرایران برقراری یک سامانه فدرالیسم است که تنها راه ملت سازی از طریق فدرالیسم

است» (بنظریه اعلیحضرت درباره فدراتیو کردن ایران مراجعه شود)

ویکی لیکس دریاب نظر به دانیال برت چه گفته

مدارک افشا شده ازطرف ویکی لیکس در سپتامبر ۲۰۱۱ درباره مذاکرات فاش شده سفیر آمریکا است که سفیرنوشته با مذاکره باخلیل دلای متوجه شوم که هدف آنها حقوق بشرنیست بلکه فدرالیسم است که منجر به جدائی از ایران شود سفیر اضافه کرده است این گروهها دریک هدف مشترکند و آن فدرالیسمی است که منجر به جدائی از ایران شود. (قابل توجه اعلیحضرت)

تساوه مستمسک

دانیال برت درسال ۲۰۰۵ در رابطه با تظاهراتی که بمناسبت موضوع جعلی مهاجرت اجباری اعراب خوزستان مطرح و آنرا دلیل مظلومیت اعراب وتجاوزایرانیان به حقوق آنها گرفت دراتحادیه اروپا شروع به فعایت برای تجزیه خوزستان کرد و یکی از دلائلی که دانیال برت به اتحادیه اروپا ارائه داد بیانیه

خانم شیرین عبادی در حمایت از اعراب خوزستان بود که سبب موفقیت بزرگی برای سازمان های تجزیه طلب وابسته به بریتانیا گردید؛ بطوریکه اکنون اتحادیه اروپا بجای بکاربردن عنوان <عربهای ایرانی خوزستان> از عنوان <عرب های اهوازی> استفاده میکند. (همان مأخذ)

و اکنون ناظریم در برنامه تظاهرات بمناسبت فیلم سرزمین کهن نقش خانم شیرین عبادی دقیقاً محول

اعلیحضرت شده است و بیانیه ایشان در کنار امضای قطعنامه شورای ناپیدا نقشی به مراتب محکم و موثرتر از جریان تظاهرات سال ۲۰۰۵ در حمایت از طوفان تجزیه خوزستان را خواهد داشت.

سینه سپر کردن و آماده جان فداکردن برای موسوی که میگوید: <ماشهید مفتح، شهید بهشتی، شهید باهنر و... را از دست دادیم که بر فاجعه میهن پرستی فائق آنیم>

(نخستین کنگره شعروادب ۲۶ آذر ۱۳۶۳)

نشان از سنگر هائی است که از میهن پرستی و پاسداران استقلال و تمامیت ارضی ایران خالی است.

سخن آخر

هموطنان گرامی؛ اگر لیاقت حفظ هویت ملی و تمامیت ارضی سرزمین کهنسالمان را نداریم، لااقل مستمسک بیگانگان در نابودی کشورمان نشویم، که آنها خواهند گفت تجزیه ایران خواست مخالفان جمهوری اسلامی و بزرگان آنها بوده است و ما به اصرار و ابرام مکرر آنها خیلی باتاخیر و احتیاط پاسخ همکاری دادیم که در مجموع میشود >این ایرانیان خارج از کشور و مدعیان حکومت ایران بودند که ایران را قطعه قطعه و لت و پاره شده میخواستند.<